



## سوره مبارکه ناس

جلسه چهارم: ۹۳/۱۲/۹

انشاء الله مطالب صرفاً جهت گفتن و شنیدن نباشند و به آنچه می گوئیم و می شنویم عمل کنیم.

انشاء الله آنچه که می شنویم و می فهمیم به مرحله عمل برسانیم.

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

استعاذه:

- استعاذه مفهوم مشترک بین سور مبارکه ناس و فلق می باشد.

- استعاذه: انعکاس آگاهانه

- مراحل استعاذه:

- مقدماتی - شناخت «انسان مرضی خدا»
- مرحله اول - استغفار
- مرحله دوم - شناخت ابزارها و مبارزه با شرور
- مرحله سوم - به کارگیری

انواع (پدراژه):

حضرت امیر(ع) در دعای خالصه، هجده مورد را برای استعاذه ذکر کرده اند که می توان آنها را «ابزارهای مراقبت» معرفی کرد:

۱. حجاب: تعیین محدوده ها برای سلامتی
۲. ستر: لباس، پوشش
۳. کفایت: نیازها
۴. حفظ: نگهداری، یعنی نگذارید آسیب ببیند.
۵. عز: کار عزّ جلوه گیری از در معرض آسیب قرار گرفتن است، حالت پیشگیری دارد.
۶. سور: کار سور از حجاب وسیع تر است، ممنوعیت های کلی ایجاد کردن، حریم ایجاد کردن
۷. منع: ایجاد محدودیت، مانع شدن
۸. دفع: مبارزه با آسیب ها، مقابله کردن
۹. حیاطت: یک مراقبت کلی است.
۱۰. رفعت: نیازهای عاطفی را برطرف کردن
۱۱. علو: مخلوقی بین رفعت و عزت است، ارتقاء قوانین مربوطه، مربوط به توانمندی است (ارتقاء توانمندی)
۱۲. فلاح: یعنی پیروزی و موفقیت در امری
۱۳. علو: دو نگاه بر علو موجود است یکی علو با محوریت «مال» و دیگری با محوریت «فرزند»

۱۴. کنف: حمایت

۱۵. برکت: رونق

۱۶. برهان: واضح شدن امور

۱۷. حرز: آسیب‌های غیر قابل پیش‌بینی

۱۸. امان: به معنای آنکه وضعیت کلی فرد یا شیء در امنیت باشد.

- برای فهم بیشتر این ۱۸ مورد آنها را در مثال «مراقبت از کودک» معنا می‌کنیم یعنی این واژه‌ها در مراقبت کودک چه‌طور ورود پیدا می‌کند و هرکدام چه بخشی از مراقبت است؟

۱- حجاب: یک سری موانع برای سلامت/محدوده‌ها

۲- ستر: لباس یا پشه‌بند

۳- کفایت: وقتی به نیازهایش رسیدگی می‌شود مانند غذا دادن به کودک

۴- حفظ: کودک از فضایی که دارد حفظ شود و مریض نشود/نگهداری خود او

۵- عزّ: ارتقاء کودک برای نگهداری/پیشگیری

۶- سور: ممنوعیت‌های کلی ایجاد کردن برای بچه، مثلاً بچه را همه‌جا نمی‌بریم، ایجاد حریم

۷- منع: ایجاد محدودیت

۸- دفع: مبارزه با بیماری‌ها و آسیب‌ها، برای حفظ از کودک دفع می‌کنید.

۹- حیاطت: مراقبت کلی، مثلاً مادر غذا درست می‌کند یک چشمش به غذاست و چشم دیگرش به کودک

۱۰- رفعت: نیازهای عاطفی، برطرف کردن نیازهای عاطفی

۱۱- علو: مخلوط رفعت و عزّت است. ارتقاء توانمندی

۱۲- فلاح: پیروزی یا موفقیت در یک کار، مثلاً می‌تواند راه برود یا حرف بزند.

۱۳- کنف: حمایت/حمایتی که پدر و مادر نسبت به بچه دارند.

۱۴- علو:

۱۵- برکت: رونق/وقتی بچه به دنیا می‌آید برکت به زندگی وارد می‌کند.

۱۶- برهان: واضح شدن امور/وقتی بچه‌دار می‌شوید دیدتان نسبت به بچه‌دار شدن باز می‌شود.

۱۷- حرز: آسیب‌های غیر قابل پیش‌بینی/بچه تحت چشم زخم باشد.

۱۸- امان: وضعیت کلی کودک امنیت است.

- شیطان یا ابلیس نیز در فرآیند عملش از همین هجده ابزار استفاده می‌کند. تقریباً می‌توان گفت که «ابزارهای آسیب» هم همین هجده مورد است. در واقع این موارد «ابزارهای تقوا» و «ابزارهای طغیان» هستند.

- فرآیند شیطان یا ابلیس ۱۸ ابزار است: (ابزارهای آسیب هم همین ۱۸ تاست)

↑ تقوا/تقی

↓ طغیان / طغی

- مصادیق خاص:

\* علوهای کاذب:

✓ قارون/ علو/ مال ← فکر می کند چون مال دارد نمی میرد.

✓ فرعون یا نمرود/ علو/ قدرت ← فکر می کند چون قدرت دارد محتاج نمی شود.

- حضرت امیر (ع) در دعای خصله وقتی بحث استعاده را مطرح می کند هر کدام از این ابزارها را به چند سوره مرتبط می کند در واقع با این کار شیوه بهینه سازی ابزار را فراهم می کند.

✚ آسیبها:

- آسیبها دو مدل کلی دارند؛ یا عینیت خارجی دارند یا اینکه در درون انسان اتفاق می افتند. بین این دو یک طیف وسیعی وجود دارد که حالت های مختلفی را به وجود می آورد. بروز خارجی به مرور اتفاق می افتد. آسیب شناسی:

• عینیت خارجی

• در درون انسانها

- بعضی از ابزارهای مقابله هم عینیت خارجی دارند.

ابزارهای مقابله:

↑ عینیت  
↓ درون

✚ (بزارها) در دعای خصله:

ابزار	سوره	تأثیر سوره بر ابزار
حجاب سدکننده و ایجاد حائل کننده	حمد و آیت الکرسی حمد: ستودن کمالات آیت الکرسی: توحید/ حیات/ حفظ	ایجاد محدوده ها و مراقبت از آنها با جهت گیری مراقبت از صفات کمالی / ایجاد صبر و مقاومت در برابر مخالف برای مراقبت از صفات کمالی / استفاده از مانع های ارتباط با دیگران (غیر) بر اساس آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین»
ستر اختفاء / مخفی کردن	بقره علم و تقواست که می تواند انسان را مستور کند.	ایجاد پوشش / اختفاء در برابر شیطان مثل رازداری
کفایت رفع نیازهای اساسی	آل عمران رجوع به محکمت و نیفتادن در متشابهات	در روزی های مادی کفایتش قناعت است. / حکمت: یعنی محکم هر علمی به حکمت رساندن آن است. مثال: در موضوع علم، افتادن در مدرک گرایی متشابهات است ولی رسیدن به حکمت محکم است.
حفظ	آیت الکرسی	جلوگیری از از بین رفتن و این به وسیله توجه به توحید اتفاق می افتد و توجه به خدا و

این که انسان بداند یک حافظی دارد که لاتأخذه سنه و لانوم/ رشد و دوری از غیّ هر عاملی که بتواند قوه ذکر و توجه انسان را بالا ببرد.		
راه پیدا کردن عزت ارتباط با ملکوت یعنی باورهای ملکوتی و غیبی و آسمانی که این باورها انسان را در یک مرتبه بالاتر غیر قابل نفوذ نسبت به آسیب‌ها می‌کند.	اعراف	عزّ
مجموعه سُوْر «الم»، تدبیر اجتماعی و سیاست‌گذاری در زندگی برای دینداری می‌دهد/ هیجان شکن/ حریم برای انسان ایجاد می‌کند و برای دشمن خار چشم می‌شود/ حریم پیدا کردن، هیمنه پیدا کردن، ابهت داشتن	الم	سور
صاحب لبّ و اولوالالباب پرور است/ مهارت نه گفتن و مهارت عمل به دستورات/ توجه به تعهدات و اوامر و نواهی که تشخیص آن یا بر اساس حکم شارع است که نسمع می‌شود و یا بر اساس عقل است که نعقل می‌شود.	رعد	منع
انسان را در برابر حملات طبیعی و تکوینی و القائنات شیطان آبدیده و محکم بار می‌آورند. روش کارشان بر اساس اتکاء به آیات و آیه‌بینی است و متناسب با مراحل رشد است/ حق شناسی	الر	دفع
در سوره مبارکه مریم تبدیل رحمت‌ها به نعمت‌ها و سوره ذکر ایجاد می‌کند/ یعنی در این سوره مهارت می‌دهد که چگونه می‌شود رحمت خدا را جلب و نازل کرد. چگونه می‌شود رحمت خدا را جلب و نازل کرد. با خدای رحمان و رحمتش ارتباط بدهد.	مریم	حیاطه محیط اطراف یک موضوع به خوبی بررسی می‌شود.

ادامه واژه‌ها جلسه آینده!

تمام توضیحات زیر در راستای جدول بالا است.

#### توضیحات مربوط به ابزار حجاب :

- حجاب با توجه به سوره مبارکه حمد و آیت‌الکرسی در لایه‌های بالایی قرار دارد.

#### توضیحات مربوط به ابزار ستر :

- یکی از ابزارهای شایع «حفظ» در عالم تکوین «ستر» است.

- یکی از مصداق‌های ستر، لباس است ولی ستر فقط پوشاندن نیست.

- ستر و اختفاء و مخفی کردن نوعاً در زندگی‌های امروز وجود ندارد و هرکسی هر چه را که دارد، رو می‌کند و این محل اصابت می‌شود.

- بهانه‌جوئی و غرزدن محصول عدم اختفاء است.

- به مقداری که انسان از ستر خارج شود و رو آید، شیطان منطقه عمل پیدا می‌کند.

- انسان در برخورد با مشکل اگر متوسل به «عالم غیب» شود حل می‌شود اما اگر متوسل به دیگران شود، مضاعف می‌گردد.

- غیب از آن حیث که آشکار می‌شود بد است. ولی اگر مخفی بماند برطرف می‌شود.

- **قاعده در عیوب:** اگر کسی بتواند عیوب خود را مخفی کند آن دیگر عیب نیست. «عیب» وقتی ظهور پیدا می‌کند، عیب است ولی وقتی پوشیده باشد دیگر عیب نیست.

- «ستر» همیشه همراه با زیبایی است، مانند لباس. ستر یک مدل تفکر اجتماعی به فرد می‌دهد و او یک «توفقی» نسبت به محیط پیدا می‌کند. در ستر، بحث آن است که فرد باید کنترل در «خواسته‌هایش» داشته باشد.

- توجه مهم: فردی که دارای عیبی است نباید در مسئولیت یا جایگاهی قرار بگیرد که نباید آن عیب را داشته باشد، در این صورت «متافق» است.

- در حال حاضر وقت تجزی نیازها و مراجعه به مجتهد هر نیازی است. اگر کسی در زندگی اش خواست رجوع به محکومات کند در هر چیزی محکمش وجود دارد مثلاً در حوزه «علم»، مدرک از مشتابهات است و رسیدن به حکمت و مهارت از محکومات است.

#### توضیحات مربوط به (بزار حفظ) :

- هر فرد باید رموز حفظ شدنش به سمت رشد را بداند. مثل اینکه انسان بداند ملائکه، «وسائط هستی» می باشند و می توانند خیلی از چیزها را به انسان بدهند، پرهیز از گناه و هر عاملی که بتواند قوه ذکر انسان را بالا ببرد، میزان حفظ انسان را بالا می برد و انسان را بسیار خوب حفظ می کند.

- هر انسانی اندازه به استخدام گرفتن ملائکه می تواند از قوه حفظ استفاده کند. اگر بخواهیم از قدرت حفظ آیه الکرسی استفاده کنیم راه آن بالا بردن قوه ذکر و توجه به «واعظ درونی» داشتن است.

#### توضیحات مربوط به (بزار عز) :

- خداوند در سوره مبارکه فاطر می فرماید: عزت در کلمه طیب و عمل صالح است.

- ارتباط با ملکوت هرگونه آسیب را پاسخ می دهد مثل این است که آسیبها در یک مدار قرار دارند. «عز» یعنی در مدار آسیب قرار نگرفتن.

- هرکس سوره مبارکه اعراف را بخواند خدا به او عزت می دهد مانند حضرت زینب (سلام الله علیه) که در ملکوت سیر می کنند و کسی نمی تواند ایشان را به هم بریزد. در واقع ارتباط با ملکوت فضای ذهنی و روحی انسان را طوری بالا می برد که آسیب به او نمی رسد. هرچه ارتباط با ملکوت بالا رود ارتباط انسان با جسمش کمتر می شود.

- انسان موجود آسمانی روی زمین است. اگر انسان این موضوع را بفهمد که حوادث زمینی او را آسمانی تر می کند به این شرط که ارتباط با ملکوت را داشته باشد. در سوره مبارکه اعراف داستان حضرت آدم (ع) است که هبوط می کند یعنی آدم آسمانی را می فرستند برای مأموریت روی زمین و هبوط یعنی نزول با مأموریت. «ارتباط با ملکوت» این است که او می داند آسمانی است و جایش اینجا نیست و برمی گردد و از اتفاقات زمینی استفاده می کند برای آسمانی تر شدن. انسان در زمین هبوط پیدا کرده یعنی مأموریت دارد و جایش اینجا نیست بلکه آسمان است و دانستن این موضوع خیلی مهم است و دیگر انسان زمین گیر و مسکین نمی شود.

#### توضیحات مربوط به (بزار سور) :

- سور: انسان خودش جلب کننده خیر یا شر است.

- نکته: سُور قرآن به خاطر سوری که دارند به کسی که «طهارت» ندارد، اجازه ورود نمی دهند.

- رویکرد تمرکز بر عیوب خود و اصلاح اجتماع، از مسیر هدایت و تقوای فردی و اجتماعی صورت می گیرد.

- سور مبارکه «الم» در قرآن، سور سیاسی و نوعاً اجتماعی هستند.

- اگر انسان در زندگی تدبیر اجتماعی و سیاست گذاری برای دین داری پیدا کند، حریم پیدا کرده و هیجان شکن می شود یعنی وقتی دشمن می خواهد با هیجان او را بفریبد، نمی تواند و او برای دشمن خار چشم خواهد شد. مانند: سردار حاج قاسم سلیمانی.

- «سور» یعنی حریم پیدا کردن، هیمنه پیدا کردن، ابهت داشتن در مقابل آسیب.

- هر انسانی سوری دارد که بعضی از این سورها، القاء «گناه» دارد و بعضی از سورها القاء «عصمت».

- انسان اگر بتواند بر روی سوره های «الم» کار کند، «سورشناس» می شود. در واقع سوره های الم، مرزها را تعریف می کنند.

- تقوا و پارسایی وضعی در آدم ایجاد می کند که حریم و هیمنه اش را دیگران درک می کنند.

- بحث سور این است که انسان خودش جلب کننده خیر یا شر است. سور، محدوده و هاله است مثل غشاء سلوسی.

- «سور» یعنی حصار که مرتفع از دوسو است که بین فرد و دشمن کشیده می شود. یعنی سرعت و هیجان دشمن را می شکند و از طرف شخص هیجان و تدبیر خود را زیاد می کند.

- واژه «سور» با واژه «سوره» ارتباط دارد زیرا «سوره» دشمن شکن است.

- وقتی دوربین انسان بر دیگران زوم شود، آنجا محل جولان شیطان است. در سور، تمرکز روی خود فرد اتفاق می افتد و برای انسان حریمی ایجاد می کند و دیگر تمرکز روی دیگران نیست.

### توضیحات مربوط به ابزار منع :

- قاعده این است که همیشه منع های اولیه راحت تر از منع های بعدی است. مثلاً اگر به کسی پیشنهاد رشوه دادند و او قبول کرد دفعات آینده جلوگیری از رشوه برایش بسیار سخت تر خواهد بود.

- «صاحب لب» کسی است که با لبش فرماندهی می کند در واقع کنترل می کند. خصوصیتش «عهدشناسی» و «امرشناسی» است. علم به بایدها و نبایدها و تعهد بر این بایدها و نبایدهاست.

- «منع» خود باید و نبایدهاست و «سور» حدود کلی فرد است و در «منع» بر روی موضوعات می رود. در واقع سوره مبارکه رعد به فرد مهارت نه گفتن و مهارت عمل به دستورات را می دهد.

- بسیاری از آسیب هایی که به ما وارد می شود، به این دلیل است که هنر «نه گفتن» نداریم. بسیاری از گناهان به خاطر اصرارهای بی مورد اطرافیان بوده و به خاطر آن است که فرد قدرت منع و نه گفتن ندارد.

- هرکس که احساس می کند قوه منع اش ضعیف است سوره مبارکه «رعد» بخواند.

- قاعده کلی این است که همیشه منع اولی راحت تر از منع های بعدی است اما اگر کسی آن منع را عملی نکند، منع های بعدی بسیار سخت تر است.

- یکی از مشکلات عمومی در زندگی، اجتهادهایی است که افراد در همه امور انجام می دهند.

- انسان دو مرجع دارد: حجت درونی و بیرونی، که اگر رابطه این دو حجت به هردلیلی باهم قطع شود، انسان دچار تعصبات می شود.

- شاید گاهی انسان نداند که چه باید انجام دهد، اما قطعاً می داند که چه نباید انجام دهد و این همان «ذی حجر» است.

- «اولوالالباب» هم می دانند چه باید بکنند و هم می دانند چه نباید کنند.

- «اولوالانهی» کسانی هستند که منع ها را هم ایجاد می کنند و مقامشان از اولوالالباب بالاتر است و آنها همان اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

✓ در سوره مبارکه یونس (ع) کلیات دفاع و لوازم آن بیان می شود مبنی بر حکم و حق.

✓ در سوره مبارکه هود (ع) سیر حکم و حق و آیه بینی را در مراتب رشد را بیان می کند. در اصل نظام تفصیل درست می کند.

✓ در سوره مبارکه یوسف (ع) کاری که می کند سیر در مراتب را در یک زندگی حقانی و ربانی نمایان می کند.

✓ در سوره مبارکه رعد نتایج این سیر که منجر به فعال شدن لب می شود و لوازم این فعالیت را مطرح می کند.

✓ در سوره مبارکه ابراهیم (ع) جریان سازی آیه و حق مطرح می شود.

✓ در سوره مبارکه حجر نظام سازی و تبدیل آن به یک ساختار محکم بیان می شود.

- سوره مبارکه مریم در انسان «مراقبت» ایجاد می کند زیرا توجه به نعمت ها و رحمت های خاص خداست. این سوره به نداشته هایمان نگاه نمی کند بلکه می گوید: چه داری و بر اساس داشته هایمان برنامه ریزی می کند.

- هر آسبیبی می تواند از ناحیه فعال کردن یک سری از نعمت ها رحمت بشود.

- انسان از موقعی که متولد می‌شود بر روی زمین است و از همان ابتدا با مشکلات مواجه است. یعنی در نگاه اول با خوشی‌ها مواجه نبوده است حال اگر نگاه انسان این‌گونه باشد که آسیب‌ها و مشکلات را برای خود پله برای رسیدن به آسمان ببیند، دیگر مشکلات را ناخوشایند نخواهد دانست و مشکلات برایش سُکلات می‌شود. خدا از او خواسته که در این پله‌ها «أحسن عمل» داشته باشد و اگر این دید را داشته باشد یک خودی در مشکلات بروز می‌دهد که آسمانی باشد، آنگاه در این نظام، «بلا» خواستنی است و قیمت دارد و مشکلات در اینجا بهانه‌ای است برای فعال شدن تقوا، ایمان، تعقل، تفکر.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد رب العالمين